

طرح مقدماتی تأسیس نخستین موزه مردم‌نگاری مسکن سنتی بومی در ایران

دکتر اصغر کریمی

مقدمه

حرم همین مأواست که وی دور از نظر اغیار و بارعایت حرمت معیارهای معنوی و اجتماعی با جفت خود زندگی می‌کند، تولید مثل می‌کند. آنها را می‌پرورد و بستر انسانیت را پویاتر می‌سازد.

پس مسکن تنها یک سرپناه یا جان پناه ساده نیست، بلکه به منزله نمادی کلی و قابل لمس و رؤیت از ارزشهای گوناگون و متغیر مادی و همچنین مجموعه‌ای از استعارات و مفاهیم بنیادی معنوی و سرانجام جلوه‌گاهی از شیوه زندگی انسان اجتماعی در کره زمین است. در طول تاریخ زندگی انسان کمتر پدیده‌ای را می‌شناسیم که این همه عناصر و عوامل و نماد و بیان را به صورت یک مجموعه کامل در خود گردآوری کرده و به این سهولت و فوریت قابل مشاهده و بررسی باشد.

ضرورت اجرای طرح

بنا بر این، با توجه به مقدمه مختصر فوق، مسکن تجلی‌گاه مجموعه کاملی است از عناصر کمی و کیفی، که یک مجموعه انسانی را تشکیل می‌دهند و از این رو موضوع و زمینه سودمندی را برای مطالعه و بررسی و تحقیق و درک این مجموعه انسانی فراهم می‌کند.

مسلم است که اگر تیپهای گوناگونی از مسکن سنتی و بومی یک ناحیه جغرافیایی، یا یک محدوده فرهنگی معین، در جایی از همان ناحیه گردآوری و بازسازی شوند، این مجموعه می‌تواند پاسخگوی بخش اعظمی از چون و چراهایی که در مورد فرهنگ و نیازهای مادی و معنوی آن ناحیه مطرح است باشد و در هر زمینه‌ای، و در راستای تحقق بخشیدن به هر هدفی و در بیشتر برنامه‌ریزیهای علمی، فرهنگی و عمرانی کمک شایانی کند.

برای رسیدن به چنین مجموعه‌هایی در کشور

انسان به دلیل نداشتن پوشش طبیعی مناسب برای حفاظت خود در مقابل عوامل و پدیده‌های طبیعی (که نیازی مادی است) و همچنین محافظت خود در برابر دید اغیار (که نیازی معنوی و اعتقادی است) با استفاده از ارتباطی که بین دستها و مغز او برقرار می‌شود و به ابداع فنون می‌انجامد، خود را به صورت فردی و جمعی در مقابل این عوامل و پدیده‌ها می‌پوشاند و محافظت می‌کند. بارزترین شکل محافظت فردی، پوشاک است و بارزترین شکل محافظت جمعی، سرپناه، یا مسکن.

مسکن پیچیده‌ترین، ملموس‌ترین و مرئی‌ترین پدیده فنی و مادی است که انسان توانسته در بستر فرهنگی خود ظاهر کند، زیرا ترکیب عناصر این پدیده از سوئی با عوامل مربوط به محیط زیست طبیعی، نوع معیشت و شکل تولید، سیر تکوینی زندگی اجتماعی، سیر اعتلای استعدادها و قدرت فنی انسان پیوند خورده است و از سوی دیگر ذوق هنری، معیارهای اجتماعی، بنیادها و ساختارهای خویشاوندی، عقاید، سنتها، پندارها و باورهای انسانهایی که در زمان و مکان معینی می‌زیسته‌اند، عمیقاً هم در طول تاریخ و هم در مقاطع معین تاریخی و در مکانهای گوناگون، بر شکل و محتوای مسکن تاثیر گذاشته‌اند.

حیات معنوی و مذهبی انسان نیز پوششی از محرمات و حتی مقدسات بر شکل و محتوای مسکن کشیده است. انسان که به طور فطری خداجو و کمال‌طلب است، در سکوت و خلوت این مسکن به خلوت دل می‌نشیند و رها شده از تن و مجزا از تن‌ها، با خالق و معبود و تکیه‌گاه خود به راز و نیاز می‌پردازد. در

اسلامی ایران، پیشنهاد می‌شود که در نخستین گام، در حوزه فرهنگی گیلان اقدام به ایجاد موزه‌ای تحت عنوان «موزه مردم نگاری مسکن بومی و سنتی گیلان» شود. علل هر یک از عناصر این عنوان در زیر توضیح داده می‌شود:

الف - چرا موزه مردم نگاری؟

«شورای بین‌المللی موزه‌ها» که به ایکوم معروف و وابسته به سازمان جهانی یونسکو است، هدف موزه را چنین بیان می‌کند: «هدف موزه عبارت است از گردآوری، نگهداری، مطالعه و تحقیق و همچنین به نمایش گذاشتن عناصر و نشانه‌های فرهنگی و مواهب و نعمات طبیعی به منظور آموزش، پژوهش و ارزش دادن به این مجموعه‌ها و لذت بردن از آنها». همین شورا که موزه‌ها را به انواع گوناگون تقسیم کرده است، هدف کلی موزه‌های مردم نگاری را «گردآوری و ثبت و ضبط نشانه‌های فرهنگی جوامع سنتی می‌داند، که اغلب آنها در اثر یورش انقلاب صنعتی و یا در اثر استعمار فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و ...، از قرن نوزدهم میلادی به این سو یا منهدم شده‌اند و یا در حال انهدام هستند». البته در همین جا متذکر شویم که انتقادات و نظرات گوناگونی در باره موزه‌های مردم نگاری وجود دارد: عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که فرهنگ‌های تحول یافته در موزه‌های مردم نگاری محبوس می‌شوند و متروک می‌مانند؛ عده‌ای نیز بر این باورند که موزه‌های مردم نگاری به طور شایان توجهی نشانه‌های مادی و معنوی این فرهنگ‌ها را حفظ می‌کنند و سایر علوم، اعم از علوم انسانی و علوم دقیق و ناب، با مطالعه این نشانه‌ها و آثار، قادر به یافتن شیوه‌های پیدایش آنها، در ارتباط با نیازهای مادی و معنوی انسان در مصاف با طبیعت خواهند شد و در صورت لزوم و با در نظر گرفتن کلیه شرایط موجود، خواهند توانست این شیوه‌ها را احیا کنند، یا بر کارائی آنها بیفزایند.

به منظور آشنایی با کم و کیف طرحی که برای ایجاد موزه پیشنهاد می‌شود، لازم به یادآوری است که «شورای بین‌المللی موزه‌ها» در کمیته مردم شناسی خود موزه‌های مردم نگاری را به شرح زیر به سه نوع تقسیم کرده است:

۱ - موزه‌های مردم نگاری عام. این نوع موزه‌ها در

برگیرنده نشانه‌های فرهنگی تمام فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های موجود در جهان و یا قسمتی از آنهاست.

۲ - موزه‌های مردم نگاری منطقه‌ای. این نوع موزه‌ها، نشانه‌های فرهنگی یک کشور و یا خرده فرهنگ‌های آن را شامل می‌شود.

۳ - موزه‌های مردم نگاری بدون سقف، یا موزه‌های مردم نگاری در هوای آزاد. این نوع موزه‌ها، نمونه کامل یک فرهنگ، یا خرده فرهنگ، یا بخش‌هایی از آن را به طور زنده و به مقیاس واقعی به نمایش می‌گذارد.

اولین موزه هوای آزاد، در سال ۱۸۹۱ میلادی (۱۲۷۱ ش) در شهر استکهلم به وجود آمد. از آنجایی که سکونتگاه روستاییان و دهقانان، نه فقط به معنای مسکن، بلکه به معنای مجموعه‌ای است که در رابطه مستقیم با نوع معیشت و حیات فرهنگی و اجتماعی انسان می‌باشد. لذا کاملترین، کارآمدترین و شاید زیباترین ساخته دست بشرند. همین سکونتگاه‌ها بیانگر شیوه زندگی، رفتار فنی، مناسبات اجتماعی، حیات معنوی، باورها و اعتقادات مذهبی انسان‌هایی است که با سکونت در آنها به زندگی خود معنا می‌بخشند. همین امر نیز موجب شد که اندیشه ایجاد موزه‌های مردم نگاری در هوای آزاد برای نشان دادن این زندگی خالص و طبیعی به وجود آید. موزه استکهلم نیز شامل مجموعه‌ای واقعی از مسکن روستایی است. این مجموعه را به نحوی ساخته‌اند که عموم مردم می‌توانند از آن بازدید کنند. تمام لوازم خانگی و وسایل تولید، از قبیل وسایل کشاورزی و دامداری و هنرهای سنتی، به همان ترتیبی که در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، در آن خانه‌ها جای دارند. هر کدام از آن خانه‌ها با تمام ملحقات و ضمایمی که دارد، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که با درختکاری از مجموعه دیگر جدا شده است.

در حال حاضر، تا آنجایی که ما اطلاع داریم، تعداد زیادی از این نوع موزه‌ها در اروپا وجود دارد که موزه «ساترلویی» یکی از آنهاست. این موزه، قبل از جنگ جهانی دوم در شهر بخارست بنا گذاشته شده؛ موزه «برکریجیک» نیز که در زمان جنگ جهانی دوم در بلژیک بر پا شد، شامل خرده فرهنگ قسمت فلاماند بلژیک است. در ایالات متحده آمریکا و کانادا نیز چندتایی از

این نوع موزه وجود دارد. بنیاد یک موزه هوای آزاد در ژاپن و دو موزه از این نوع نیز در آفریقا گذاشته شده است.

نظر به اینکه کشور اسلامی ایران از اعضای فعال سازمان جهانی یونسکو است، و از همان ابتدا نیز در تنظیم کلیه اساسنامه‌های آن مشارکت مستقیم داشته است، لذا طرح بنیاد «موزه مسکن سنتی و بومی گیلان» نیز که برای حوزه فرهنگی گیلان پیشنهاد می‌شود، در چهار چوب مفاد اساسنامه «شورای بین‌المللی موزه‌ها» قرار می‌گیرد و در تقسیم بندی آن، از موزه‌های مردم نگاری نوع سوم به حساب می‌آید. این موزه، نخستین موزه‌ای است که با این هدف و با رعایت کلیه موازین علمی موزئولوژی در ایران تشکیل می‌شود، و شاید هم نمونه منحصر به فردی در خاور میانه باشد. در این راستا می‌توان نظر «شورای بین‌المللی موزه‌ها» را در باره اجرای این طرح جلب کرد و از کلیه امکانات آن بهره گرفت.

ب - چرا مسکن سنتی و بومی؟

تاریخ زندگانی بشر به ما می‌آموزد که محیط زیست انسان، بخصوص محیطی که بر اساس نیازهای مادی و معنوی انسان، توسط خود انسان باز سازی، یا بهسازی شده است، هرگز توسط معماران متخصص و متبحر و بر مبنای یک طرح و نقشه پیچیده و از قبل آماده شده، به وجود نیامده و نخواهد آمد. این محیط، نتیجه سلسله‌ای متواتر از عملیات عمرانی انسان بر اساس معماری بومی و منطقه‌ای است، که از فرهنگ عامیانه مبتنی بر نیاز نشأت گرفته است. ولی متأسفانه توارخی که در باره معماری نوشته‌اند، و نظریه‌هایی که در آنها مندرج است، کوچکترین توجهی به بناهای بومی و سنتی نکرده‌اند، یعنی به همان چیزی که در رابطه مستقیم با فرهنگ و جهان بینی و شیوه زیست توده‌هاست و عالیترین کیفیت گامهای ابتدایی معماری مردمی را نشان می‌دهد و مطالب زیادی برای روشننگری فرهنگ و تمدن هر عصری را در بطن خود دارد.

غفلت ورزیدن از مطالعه مسکن بومی و سنتی و تشکیل ندادن آرشیوهای علمی - از آن جمله است موزه - در باره آنها، در عمل موجب شده است که بررسی و

کشف روابط موجود بین این مسکن با مسائل فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و غیره انسانهای دوره‌های گوناگون به فراموشی سپرده شود. همین بی توجهی سبب شده است که مجموعه این مجتمعهای انسانی، که گویاترین اسناد و مدارک برای مطالعه چگونگی پویای فرهنگ هر جامعه است، روز به روز به سوی انحطاط و نیستی پیش برود. نفوذ معماری جدید با مصالح و نقشه‌های جدید که خواست جوامع جدید با نیازها و برنامه‌ریزیهای جدید است، و گریزی از آن نیست، به آهنگ سریع این انهدام کمک می‌کند. البته منظور نظر ما این نیست که در این مطالعات و در برپایی موزه مردم نگاری مسکن سنتی و بومی، جایی برای بناهای به اصطلاح تاریخی با سبکهای معماری پیچیده، که در ناحیه موجودند، در نظر گرفته نشود. بلکه برعکس، مطالعه و باز سازی نمونه‌هایی از این بناها، در کالبد این موزه کاملاً از ضروریات است. ولی باید توجه شود که این بناها بایستی در قالب بناهای بومی و ارتباطی که با بناهای بومی و سنتی برقرار می‌کنند مورد مطالعه قرار گیرند؛ زیرا درک بناهای تاریخی در خارج از این قالب و به گونه‌ای مجزا و مجرد، بخصوص بدون توجه به شرایط زمان ساخت آنها و روابط پیچیده‌ای که با محیط طبیعی و فرهنگی خود برقرار کرده‌اند، نه تنها دشوار بلکه محال خواهد بود.

ج - چرا حوزه جغرافیائی و فرهنگی گیلان؟

کسانیکه در باره معماری سنتی و بومی صاحب نظرند، معمولاً معماری سنتی و بومی ایران را به سه گروه تقسیم می‌کنند:

۱ - معماری گنبدی

۲ - معماری طاقی

۳ - معماری چوبی

معماری چوبی به فضایی مربوط می‌شود که در آن «تمدن چوب» حاکم است.

با نظری اجمالی به تاریخ بارندگی و پویای فرهنگ و شیوه تولید و معیشت در ناحیه گیلان، متوجه می‌شویم که محصولات عمده موجود در این ناحیه، که در حال حاضر در بستر اقتصادی آن جریان دارند، غالباً وام گرفته از تمدنهای دیگرند و در دوره‌های مختلف و تحت عوامل گوناگون به این ناحیه آورده شده، با آب و هوای

سازمان میراث فرهنگی کشور دعوت به همکاری خواهد شد.

مرحله اول - گامهای نخستین

۱ - تشکیل «هیئت علمی بین‌المللی نظارت بر فعالیتها» که از ابتدا تا انتها بر کلیه فعالیت‌های علمی و فنی موزه نظارت خواهد داشت و از هر کدام از رشته‌های علمی مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، هنرهای سنتی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، جغرافیا، محیط زیست، مهندسی سازه، مهندسی تزیینات داخلی، حداقل یک نفر متخصص عضو این هیئت خواهد بود.

۲ - تهیه فهرست کاملی از اسناد و مدارک تاریخی در باره حوزه فرهنگی گیلان، به منظور بررسی شکل کلی مسکن در گیلان گذشته.

۳ - طراحی بناهای سنتی قدیم از روی تصاویر، طرحها، گراورها و حتی توضیحات موجود در کتابها به منظور بازسازی آنها.

۴ - بازدید از موزه‌های بدون سقف، از جمله (موزه‌های اقلیمی یا اکو موزه Ecomusee) شهرهای جهان به منظور دستیابی به آخرین تجربیات در این زمینه.

۵ - گرد آوری داده‌های آماری در مورد مسکن در حوزه گیلان و تحلیل آنها.

۶ - گزارش کامل و مصور از فعالیت‌های این مرحله.

مرحله دوم - بررسی‌های میدانی

در این مرحله، حوزه فرهنگی گیلان به حوزه‌های متعدد جغرافیایی تقسیم می‌شود، و گروه‌های پژوهش بر اساس برنامه‌های منظم و زمان‌بندی شده به مطالعه تیپ‌های گوناگون مسکن سنتی و بومی ناحیه خواهند پرداخت.

مطالعات عمده‌ای که در این مرحله به عمل خواهد آمد به شرح زیر خواهد بود:

۱ - مطالعات کلی ناحیه و رابطه آنها با مسکن (خصوصیات جغرافیایی، خصوصیات اقلیمی، خصوصیات جمعیتی، خصوصیات قومی، خصوصیات اقتصادی و ...)

۲ - مطالعات مردم‌شناسی در باره مسکن (مطالعه مسکن در رابطه با فرهنگ، فضا و فنون سنتی).

۳ - تیپولوژی مسکن سنتی و بومی حوزه

این ناحیه انطباق داده شده‌اند. مثلاً برنج از خاور دور، ابریشم از چین، چای از هند، زیتون از یونان، مرکبات از جنوب ایران، ... آورده شده‌اند. ولی آنچه مسلم است، چوب محصول عمده این ناحیه است و «تمدن چوب» یا «تمدن جنگل» با فنون و ابزارهای خاص خود بر این ناحیه استیلا داشته است. لذا گیلان مهمترین و بنیادی‌ترین بستر و گاهواره تمدن چوب و معماری چوبی ایران است، که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، و تنها مکانی است که می‌تواند پذیرای موزه تمدن چوب و معماری سنتی مبتنی بر استفاده از چوب باشد.

هدف

موزه مردم‌نگاری مسکن سنتی و بومی گیلان، با اهداف و چشم‌اندازهای زیر مورد نظر است:

۱ - حفظ تیپ‌های گوناگون مسکن سنتی و بومی ناحیه جغرافیایی و فرهنگی گیلان در راستای حفظ میراث فرهنگی این ناحیه.

۲ - ارائه علمی و عملی فنون گوناگون سنتی مرتبط با «تمدن چوب».

۳ - ارائه رابطه مسکن با فرهنگ، اندیشه‌ها، پندارها، باورها، عقاید و جهان‌بینی انسان ساکن در حوزه فرهنگی گیلان.

۴ - ارائه رابطه مسکن با ساختارهای خانواده و خویشاوندی.

۵ - ارائه رابطه مسکن با انواع تولید و معیشت و اقتصاد کلان ناحیه و اقتصاد خود خانواده.

۶ - ارائه رابطه مسکن با فضاهای گوناگون محیط طبیعی.

۷ - ارائه عوامل و عناصر مسلط به تعیین شکل کلی مسکن سنتی و بومی حوزه فرهنگی گیلان.

۸ - ایجاد آموزشگاه برای دانشجویان و دانش پژوهان و آزمایشگاه پژوهشی برای پژوهشگران

۹ - ایجاد آرشیو علمی گیلان شناسی برای گیلان شناسان، برنامه‌ریزان و مجریان.

شرح خدمات و مراحل اجرایی طرح

طرح برپایی موزه، در مراحل زیر اجرا خواهد شد و طبیعی است که برای این کار از همه پژوهندگان و اساتید ایرانی و خارجی که در زمینه‌های مربوط به طرح، با تجربه و صاحب نظرند، بویژه از محققان و صاحب‌نظران

فرهنگی، و انتخاب مساکن تیپ به منظور انتقال خود مسکن به موزه، یا باز سازی آن در موزه - قیمت تقریبی مساکن تیپ نیز بررسی خواهد شد.

۴ - تهیه نقشه‌های دقیق و کامل با تمام جزئیات، از مساکن تیپ (تهیه پلان، فاساد، مقاطع گوناگون، طرح از همه جزئیات و اتصالات ...).

۵ - مطالعه مصالح (انواع مصالح ساختمانی موجود در منطقه، طرق استخراج و بهره برداری و آماده سازی آنها به روشهای سنتی، مصالح مسلط، مصالح جنبی، مصالح مهاجر و ...).

۶ - مطالعه رابطه مسکن با اقتصاد، تولید و معیشت (کارگاههای خانگی، تلمبارها، انبارها، طولیها، آغلها، محللهای روغن کشی و ...).

۷ - مطالعه رابطه مسکن با جمعیت، بعد خانوار و مسائل مربوط به ساختار خویشاوندی (خانوار گسترده، خانوار هسته‌ای، ازدواج، پدر مکانی، مادر مکانی، مالکیت، ارث، تقسیم کار سنتی و جنسی، بخشهای زنانه مسکن، بخشهای مردانه مسکن، بخش مربوط به میهمان و ...).

۸ - تهیه اطلس مردم شناسی مساکن تیپ در حوزه فرهنگی گیلان (حوزه گسترش جغرافیایی هر یک از مساکن تیپ).

۹ - تعیین ویژگیهای بارز مساکن تیپ (ساختار کلی، نوع سقف و پوشش آن، نوع دیوارها، تعداد طبقات و کارکرد آنها، نوع ایوانها و کارکرد آنها و ...).

۱۰ - مکان یابی و تعیین مکانی که موزه در آن بنا خواهد شد (با توجه به عوامل گوناگون اقلیمی و آب و هوایی، پستی و بلندیهای زمین، دسترسی سهل و آسان، امکان حمل و نقل مساکن تیپ به محل موزه، صنعت توریسم و جاذبههای توریستی، امکان ایجاد تأسیسات اداری و خدماتی و ...).

۱۱ - تهیه گزارش کامل و مصور از کلیه فعالیتهای این مرحله.

مرحله سوم - تهیه طرح جامع و اجرایی موزه

در این مرحله از اجرای طرح، با بهره وری از گزارشهای جامعی که در دو مرحله قبل تهیه شده‌اند و نتیجه گیری از آنها، فعالیتهای زیر انجام خواهد گرفت و

حاصل آنها به تهیه طرح جامعی خواهد انجامید که با در دست داشتن آن، بلافاصله اقدام به عملیات ساختمانی موزه خواهد شد. جزئیات اجرای این مرحله از طرح به شرح زیر است:

۱ - برنامه ریزی و زمانبندی برای اجرای این مرحله از طرح.

۲ - تهیه نقشه کامل از مکان موزه.

۳ - بررسی چگونگی آماده کردن مکان تعیین شده برای احداث موزه و ارائه مناسبترین راه.

۴ - تهیه نقشه‌های اجرایی مسکن تیپ به منظور برپایی آنها در محل موزه.

۵ - قطعه بندی سطوح قابل احداث مساکن تیپ و تعیین فضای مناسب برای هر یک از آنها.

۶ - قطعه بندی و تعیین فضای مناسب برای احداث بناها و تأسیسات عمومی سنتی که در روستاها وجود دارد.

۷ - تهیه طرحی برای جداسازی مساکن تیپ از یکدیگر در فضای موزه.

۸ - بررسی روشهای ممکن برای انتقال مساکن سنتی تیپ به محل موزه و ارائه راه حل مناسب.

مرحله چهارم - عملیات ساختمانی موزه

در این مرحله از طرح، دستگاه سفارش گیرنده طرح اجرای عملیات ساختمانی آن را به پیمانکار و یا پیمانکارانی واگذار خواهد کرد و خود بر اجرای دقیق و صحیح و کامل آن نظارت خواهد کرد، لذا شرح خدمات این مرحله عبارت است از:

۱ - تعیین پیمانکار، یا پیمانکاران.

۲ - نظارت بر اجرای طرح.

۳ - تحویل موزه به کارفرما.

با امید به اینکه طرح مقدماتی تأسیس نخستین موزه مردم نگاری مساکن سنتی و بومی ایران، با موفقیت عملی شده، به انجام برسد، بخش پایانی این طرح را که به زمانهای اجرا و اعتبارات اجرای طرح اختصاص دارد حذف کردیم، آرزو داریم که خیلی زود چنان شود که مجله موزه‌ها از مراحل اجرایی این طرح و سر انجام از موزه تشکیل شده گزارشی در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

سر دبیر